

کودک آزاری والدین:

والدین که وظیفه مراقبت، نگهداری و تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان خود را برعهده دارند باید در تمام مراحل زندگی، به اقتضای سن فرزندان، حمایت‌های لازم را از آنان به عمل آورند؛ اما گاهی ممکن است که فرزندان هدف خشونت، اذیت و آزار و نهایتاً ارتکاب جرایم گوناگون از سوی والدین خود قرار گیرند و بدین ترتیب حقوق و آزادیهای آنان توسط والدینشان نقض گردد. حقوق و آزادی‌هایی که در بسیاری از اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک و... برای همه افراد در هر سنی (و گاه با تأکید ویژه بر کودکان) به رسمیت شناخته شده و دولتهای عضو این اسناد نیز وظیفه سیاستگذاری، تدوین قوانین مناسب و اتخاذ حمایت‌های کیفری در جهت حفظ اهداف این اسناد را بر عهده دارند.

با توجه به اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران به بسیاری از اسناد مذکور ملحق گردیده، لذا مکلف است که در تدوین قوانین و مقررات داخلی خود، تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی را مدنظر قرار داده و در جهت حفظ حقوق همه افراد خصوصاً کودکان در مقابل والدین تدابیر و اقدامات مقتضی را اتخاذ نماید. این مقاله در نظر دارد تا گامی موثر در جهت جلوگیری از تضييع حقوق فرزندان توسط والدین بردارد.

واژگان کلیدی: کودک (طفل)، کودک آزاری، اسناد بین‌المللی

فرزندان بالاخص کودکان از بدو تولد همواره مورد توجه و حمایت و تحت کنترل والدین قرار دارند و هر یک به اقتضای سنشان، حقوق و نیازهایی دارند که والدین در برابر آنها مسئولند.

. منظور از فرزندان صرفاً کودکان نیستند بلکه این عنوان، اعم از کودکان بوده و همه فرزندان را در هر سنی در بر می‌گیرد اما از آنجا که کودکان نسبت به فرزندان بالغ، بیشتر آسیب‌پذیر بوده و همچنین برخی از جرایم نیز صرفاً به اعتبار «طفل بودن» آنها جرم‌انگاری شده است، لذا گاه نسبت به اطفال و کودکان تأکید بیشتری صورت گرفته است. قانون مجازات اسلامی در تبصره ۱ ماده ۴۹ مقرر داشته: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.» حد بلوغ شرعی نیز مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی تعیین گشته که اشعار می‌دارد: «سن بلوغ در پسران ۱۵ و در دختران ۹ سال تمام قمری است.» البته این امر مانع از آن نگردیده که مقنن در جاهای مختلف بنا به ضرورت از نوجوانان و افراد کم سن و سال (بالای سن بلوغ شرعی) حمایت نکند. مثلاً قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ در ماده ۱ بیان داشته: «کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند.» کنوانسیون حقوق کودک نیز در ماده ۱، «کودک» را چنین تعریف نموده است: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.»

جرایمی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند، چنانچه علیه کودکان ارتکاب یابند، به دلیل آنکه هر یک به نوعی سبب اذیت و آزار جسمانی یا روانی کودک شده و یا موجب نادیده گرفتن نیازهای مادی و معنوی وی می‌گردند، می‌توانند مصداقی از مصادیق کودک آزاری باشند که مرتکب آن «والدین» و بزه دیده آن «فرزندان» شان است.

به موجب اسناد و مقررات بین‌المللی متعدد، حقوق و آزادی‌هایی برای همه افراد اعم از کودک یا بزرگسال در نظر گرفته شده است. مواردی چون؛ حق حیات، حق برخورداری از آزادی و امنیت شخصی، حق داشتن هویت، حق حفظ تمامیت جسمانی و معنوی، حق برابری و برخورداری همه افراد از کلیه حقوق بشری و ... از مهمترین حقوق انسانی هستند که به موجب این اسناد بر آنها تأکید شده است.^۱

در بسیاری از اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری منضم به آن در مورد فروش، فحشا و پرنوگرافی کودکان، مقررات اعلامیه مربوط به اجلاس سران برای توسعه اجتماعی ۱۹۹۵ و همچنین در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ و ... از دول عضو خواسته شده است که با تدوین قوانین و مقررات مناسب، در خصوص بهره‌برداری از روسپیگری زنان و ارتکاب جرایم جنسی نسبت به زنان و کودکان ممانعت به عمل آورند.

از سوی دیگر، در کنار پیشنهاد وضع قوانین بازدارنده، برخی از اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق کودک و کنوانسیون حقوق کودک، حفظ و حمایت از حقوق اطفال را با توصیه به اقدامات بنیادی و کلان‌تر مورد تأکید قرار داده و دولت‌های عضو را به تدارک زمینه‌های مناسب جهت رشد و پرورش جسمی و روحی کودکان توصیه کرده و از آنها خواسته تا با اقدامات مقتضی از بهره‌برداری و استثمار اقتصادی کودکان و سوءاستفاده جنسی از آنان جلوگیری کرده و نسبت به تأمین حق حیات و حفظ هویت کودکان و نیز مسائل مربوط به بهداشت، تغذیه، آموزش و پرورش، تربیت و حضانت و ... تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

علاوه بر این در اسناد بین‌المللی دیگری هم به طور خاص به مسأله آسیب‌پذیری کودکان در مقابل خطرات و آسیب‌ها توجه شده و برای پیشگیری از بروز خطرات یا ارتکاب جرم نسبت به آنان وظایفی بر دوش والدین

^۱ - از جمله این اسناد می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و .. اشاره نمود.

در وهله اول و سپس جامعه و دولت نهاده شده است. به عنوان مثال ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأکید دارد که هر کودکی حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده و جامعه باید به عمل آید برخوردار گردد و هر کودکی باید بلافاصله پس از تولد، ولادتش به ثبت برسد، دارای نام شده و از حق تحصیل تابعیت برخوردار باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران به بسیاری از این اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق کودک، کنوانسیون حقوق کودک، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... ملحق گشته است و لذا موظف است به توصیه‌ها و تأکیدات آنان جامه عمل پوشانده و به تدارک زمینه‌های مناسب و اتخاذ تدابیر لازم و تدوین قوانین کافی جهت احقاق حقوق همه افراد به ویژه کودکان اهتمام ورزد. نکته مهم در میان مقررات موجود آن است که حتی اگر والدین مرتکب بسیاری از افعال یا ترک فعل‌های ممنوع بین‌المللی گردند، مطابق قوانین کیفری داخلی مستوجب کیفر شناخته می‌شوند و این جرم‌انگاری‌ها، اغلب بدون توجه به نسبت و رابطه میان والدین و فرزندان صورت گرفته است، بدین معنی که جز در موارد خاص (مثل قتل، قذف، عدم تدارک امکانات تحصیلی، عدم اعلام ولادت و اخذ شناسنامه برای طفل، و مانند اینها) که به رابطه میان والدین و فرزندان توجه شده و بر اساس آن کیفر تعیین گشته است (جرم انگاری افتراقی)، در سایر جرایم، جرم انگاری و تعیین مجازات بطور عام و بدون توجه به سمت مرتکب صورت گرفته که نسبت به همه افراد حتی والدین قابل تسری می‌باشد (جرم انگاری اشتراکی). به علاوه در خصوص جرایمی همچون پدوفیلی که در اسناد بین‌المللی عملی ممنوع اعلام گردیده و همچنین پرنوگرافی کودکان_ هرچند به بیان قوانین متعدد قابل کیفر به نظر می‌رسند_ لیکن تدوین قانونی خاص و اختصاص موادی از آن به تصریح این جرایم و تشدید مجازات پرنوگرافی والدین علیه کودکان کارآمد بنظر می‌رسد. در

خصوص فروش کودکان و قاچاق اعضای بدن آنها نیز با کاستی هایی مواجه هستیم. مثلاً در بحث فروش کودکان طبق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان «فروش برای ارتکاب اعمال خلاف» جرم می باشد و خود «فروش» فی نفسه جرم تلقی نگردیده است در حالیکه فروش کودکان با هر انگیزه‌ای که صورت گرفته باشد اثرات زیانباری برای طفل به همراه خواهد داشت.

از مجموع مطالب فوق می توان نتیجه گرفت که مقررات کیفری موجود جهت تأمین تمامی حقوق فرزندان به ویژه کودکان در مقابل والدین همچنان نیازمند بذل توجه خاص قانونگذار نسبت به این دسته از جرایم است. لذا توصیه آن است که قانون جامعی تدوین شود تا با ارائه تعریف دقیقی از کودک‌آزاری و ذکر مصادیق آن، اقدام به تعیین ضمانت اجرای مناسب از حیث امکان اجرا، شدت مجازات و قدرت بازدارندگی نماید تا حقوق کودکان و نوجوانان در مقابل تمام کسانی که اقدام به نقض آن می کنند، اعم از والدین یا غیر آنها، تأمین گردد.